مبارزه به روایت سید احمد هوایی - ۵

دوران سربازی و حساسیت ساواک روی سربازان

مرتضی میردار

سربازی

بعد از ۱۵ خرداد هم به‌صورت جسته و گریخته چیزهایی می‌شـــنیدیم، ولی واقعیت این است که جرأت نداشـــتیم حرفی بزنیم یا کاری بکنیم. در وادی کسب و کار خودمان بودیم. گاهی می‌دیدیم که مثـــلاً جبههٔ ملی‌ها با پرچم ایـــران توی بازار می‌ریختند. در بازار را می‌بستند و شعار زنده‌باد و مرده‌باد سر می‌دادند. بعد هم آژان‌ها می‌آمدند و در را باز می‌کردند. می‌فهمیدیم که این ماجرا هم در ادامهٔ همان ۱۵ خرداد است، ولی زیاد پیگیر قضیه نمی‌شدیم. سال ۴۸ من رفتم سربازی. هجده‌ماه در پادگان لشکر ۹۲ زرهی[1] اهواز بودم و مقداری هم در عجب‌شیر[2] و جاهای دیگر. در آنجا هم یک‌سری کارهای مذهبی کردیم. دورهٔ خدمت ما هم برای خودش دورهٔ عجیبی بود. شب اول ماه رمضان بلند شدیم که روزه بگیریم.

آن روزها خفقان خیلی سنگین بود و مخصوصاً در سربازخانه خیلی مواظب بودند. یک نفر که نماز می‌خواند، روی او زوم می‌کردنـــد که ببینند چه خبر اســـت. مثلاً برنامهٔ ماه رمضان را، چون روابط بچه‌ها با هم خوب بود، نتوانستند کاری بکنند و خلاصه در رفتیم. ولی گروهبانی داشتیم که مال رکن ۲ و در گردان ما بود و با ما درگیر شد و دعوا کردیم و مسائلی را برای ما ایجاد کرد. اما در مدتی که در لشـــکر ۹۲ زرهی اهواز بودیم، توانستیم از لحاظ مذهبی کارهایی بکنیم. در آنجا فساد خیلی زیاد بود. جایی که ما بودیم، کوی افسران بود و شب‌ها فساد خیلی زیاد بود. به دو تا از گماشـــته‌ها که بچه‌های یزد بودند و ریشهٔ مذهبی داشتند، گفتیم بروند و به افسرها و خانواده‌های‌شان که به استخر می‌آیند، تذکر بدهند. ما هم می‌رفتیم و تماشـــا می‌کردیم که ان‌شاءالله خدا از ســـر تقصیرات‌مان بگذرد. نمی‌خواهم توجیه کنم که می‌خواســـتیم برویم و شناسایی کنیم و ببینیم چطور است، ولی به هر حال می‌رفتیم و می‌دیدیم که محیط باشگاه افسران واقعاً افتضاح است. بین پادگان و آن‌طرف فقط یک سیم‌خاردار فاصله بود. در سربازی همین کارها را کردیم، و الّا کار خیلی خاصی نکردیم. در سال ۵۱ ما فقط دو نفر بودیـــم که روزه می‌گرفتیم. ولی از بیســـت و یکم ماه رمضان تا آخـــر ماه را همه بچه‌های گروهان ما و سه گروهان دیگر، که بیش از دویست نفر می‌شدیم، روزه گرفتند. چون کم‌کم طوری شد که به آشپزخانه گفتیم به ما سحری بده و یک مقدار ســـر و صدا شد. این مسئله باعث شد که رکن ۲ ما را خواست. فهمیده بودند منشأ این قضیه از کجاست؟ از من پرسیدند: «چه کسی به شما گفت روزه بگیری؟» گفتم: «خدا» پرسیدند: «چه کسی یادت داده؟» گفتم: «کسی یاد نداده. من از وقتی بچه بودم، روزه می‌گرفتم. بروید بپرسید. از کودکی تا الان روزه می‌گیرم.» گفتند: «بقیه را چرا تشویق کردی؟» گفتم: «من کسی را تشویق نکردم. به من گفتند سحرها که بیدار می‌شوی، ما را هم صدا بزن.»

بعد از خدمت، ســـاواک آمد دم در دکان ما و پرســـید: «چرا عکس شاه را توی مغازه‌ات نزدی؟» من هم گفتم: «خدا هست. بالاتر از شاه هم هست.» گفت: «نه. عکس شـــاه واجب اســـت که در دکان آدم باشـــد.» گفتم «ما کاری به این چیزها نداریم و کار خودمان را می‌کنیم.» آدم از ســـربازی که می‌آید یک‌جور حالت مردانگی پیدا می‌کند. بعد از خدمت، من داشـــتم در خیابان ری با دوچرخه می‌آمدم که یک‌مرتبه دیدم یک پژو پیچید جلوی ما... گفت: «کجا می‌روی؟» گفتم: «به تو چه؟» دیدند مثل اینکه سمبهٔ من خیلی پرزور اســـت. یقهٔ من را گرفتند... پرسیدم: «از من چه می‌خواهید؟» گفتند: «هیچی. مشـــکوک شـــدیم.» خلاصه ما را تکانی دادند و رفتند.

آن روزها را برای یک ماه دورهٔ احتیاط احضار کردند. چون ما با اِمیـــک تیراندازی کرده بودیم و دورهٔ ژ۳ را ندیده بودیم. به این هوا گفتند بیایید که ما به تبریز رفتیم و ژ۳ را آموزش دیدیم.

کم‌کم انـــگار توی باغ آمدیـــم و فهمیدیم که خبرهایی هســـت. وقتی آمدم برای احتیاط، دیدم که دارند من را شناسایی می‌کنند و قبلاً پرونده‌هایم را خوانده‌انـــد. آنجا به من پیشـــنهاد کردند که اگر بخواهی بیایی این‌جا کار کنی، ما می‌توانیم شما را به کار بگیریم؛ حقوق خوبی هم دارد. یک مقدار شک کردم. یک آقایی به اسم پاسبانی در آنجا همقطار و هم‌خدمتی من بود. گفتم: «اینها چه می‌گویند؟» ته و توی کار را درآوردم و فهمیدم این افرادی را که برای احتیاط آورده‌اند، در واقع برای استخدام در ساواک و عملیات و این حرف‌ها انتخاب کرده‌اند. من گفتم شغل من زرگری است و کار دیگری نمی‌خواهم بکنم. الان هم دکان را بسته‌ام و به این‌جا آمده‌ام. این‌جا هم موردی شد که حواسم بیشتر جمع این مسائل بشود.

بعد از خدمت، ســـاواک آمـــد دم در دکان ما و پرسید: «چرا عکس شاه را توی مغازه‌ات نزدی؟» من هم گفتم: «خدا هست. بالاتر از شاه هم هست.» گفت: «نه. عکس شاه واجب است که در دکان آدم باشد.» گفتم «ما کاری به این چیزها نداریم و کار خودمان را می‌کنیم.» آدم از سربازی که می‌آید یک‌جور حالت مردانگی پیدا می‌کند. بعد از خدمت، من داشتم در خیابان ری با دوچرخه می‌آمدم که یک‌مرتبه دیدم یک پژو پیچید جلوی ما. آن روزها ساواکی‌ها یا پژو داشتند یا ولوو. من رفته بودم سربازی و یک مقدار از قانون ســـر درآوردم و ترسم ریخته بود. هنوز هم وارد مبارزات نشده بودم. یک مقدار هم کله‌شق بودم. پیچید جلوی من و گفت: «کجا می‌روی؟» گفتم: «به تو چه؟» دیدند مثل اینکه ســـمبهٔ من خیلی پرزور است. یقهٔ من را گرفتند. یک مقدار مقاومت کردم و یک کارت نشانم دادند که اصلاً نفهمیدم چه کارتی اســـت. یک‌سری فحش هم دادند. پرسیدم: «از من چه می‌خواهید؟» گفتند: «هیچی. مشکوک شدیم.» خلاصه ما را تکانی دادند و رفتند.

پانوشت‌ها:

۱- مجهزترین لشکر نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران.

۲- یکی از شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی.

مناسبات جمهوریّت و اسلامیّت در انتخاب ولیّ فقیه- ۷۹

پیشنهاد امام(ره) برای رهبری آینده

سید یاسر جبرائیلی

یکی از رخدادهای مهمّ ســـال پایانی حیات مبارک امام خمینی(قدّس‌سرّه)، تصمیمی بود که ایشان درباره آیت‌الله منتظری گرفتند. این تصمیم، همان‌طوری که در فصل دوّم شرحش رفت، محصول یک فرآیند طولانی بود. شخصیّتهای مهمّ کشور و نزدیکان امام(قدّس‌سرّه)، ماه‌ها پیش از قضایای فروردین ۶۸، چندین بار از زبان ایشان اظهاراتـــی مبنی بر عدم صلاحیّت آقای منتظری برای رهبری شـــنیده بودند و این نگرانی در میان آنها وجود داشت که در صورت کنار گذاشته شدن آقای منتظری، سرنوشت رهبری چه خواهد شد.

امام(قدّس‌سرّه) در طول حیات مبارکشان، همواره محلّ رجوع مسئولان کشـــور برای رفع ابهامات و دفع سردرگمی‌ها و خروج از بن‌بست‌ها و روشن شدن تکلیف در مسائل حساس بودند و حلّ مسئله‌ای به‌اهمّیّت رهبری آینده، نمی‌توانست در افق نگاه امام(قدّس‌سرّه) جایگاهی نداشته باشد. لذا یکی از مهم‌ترین اقدامات حضرت امام خمینی(قدّس‌سرّه) در سال پایانی عمر مبارکشان، نام بـــردن از حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان رهبر آینده بود که نه‌تنها حرکت انقلاب اســـلامی در مسیر اصلی خود را تضمین کرد، بلکه مسیر را برای خبرگان درباره تعیین رهبر آینده انقلاب هموار نمود.

در مهرماه ســـال ۱۳۶۷، یعنی نزدیک به شش ماه پیش از برکناری آیت‌الله منتظری، جلسه‌ای در محضر امام(قدّس‌سرّه) با حضور سران قوا، نخست‌وزیر وقت و مرحوم حاج احمد آقا خمینی برگزار شد.

آقای هاشـــمی رفســـنجانی ـ رئیس وقت مجلس شورای اسلامی ـ در اجلاسـّیه رسمی چهارده خرداد ۱۳۶۸ خبرگان، با شاهد گرفتن آقای موسوی اردبیلی ـ رئیس وقت شـــورای‌عالی قضائی ـ جلسه را این‌گونه روایت می‌کند: «ما یک جلسه با رؤسای قوا و نخست‌وزیر و احمد آقا خدمت امام بودیم. همان موقعی که مسئله آقای منتظری داغ شده بود و ما با امام مباحثه داشتیم. ما یکی از احتجاجاتمان با امام این بود که شما اگر آقای منتظری را کنار بگذارید، ما در رهبری دچار مشکل می‌شویم.... امام هم شورایی را خیلی تمایل نداشتند هیچ‌وقت. فرد هم ما می‌گفتیم ما فردی را نداریم الان که مطرح بکنیم در جامعـــه. چون ما فرضمان بر مرجعیّت بود و با همان مسائل بود. امام فرمودند چرا ندارید؟ آقای خامنه‌ای.»[1]

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درباره این جلسه می‌گویند: «معلـــوم بود که امام جدّاً بنا دارند که آقای منتظری را از رهبری آینده کنار بگذارند. چه‌جوری کنار گذاشتن را شاید حدس نمی‌زدیم. ممکن بود ایشان خطاب به خود آقای منتظری بگویند اســـتعفا بده، امّا این شکلی را که پیش آمد ما نمی‌دانستیم. ناراحتی ما از این بود که خلأ به‌وجود می‌آید و همین را هم در یکی از جلسات گفتیم و ایشان جوابی دادند.

در یک جلسه باز ایشـــان [عدم صلاحیّت آیت‌الله منتظری برای رهبری آینـــده] را مطرح کردند. من به ایشـــان گفتم: «آقا! ما در این مجموعه‌ی دوستان کس دیگـــری غیر از ایشـــان نداریم.»؛ ایشـــان گفتند: «نه، این‌جور نیســـت! شما رهبر بشوید.»؛ همین‌جور؛ «شما رهبر بشوید.»؛ من اصلاً این حرف را جدّی نگرفتم؛ واقعاً جدّی نگرفتم، هیچ؛ سکوت کردم. جلسه هم سکوت شد، چند لحظه‌ای گذشت. من روبه‌روی امام نشسته بودم، حاج احمد آقا این‌طرف من نشسته بود. ایشان [خطاب به من] گفت: «بله، چطور شما می‌گویید کسی نیست؟ شما هستید، آقای موسوی اردبیلی هست.»؛ دوباره امام گفت: «نخیر، ایشان رهبر بشوند.»؛ شاید هم اسم آوردند و مشخّص کردند آقای خامنه‌ای. در جلسه حالت خاصّی هم تاحدودی پیش آمد، ولی من این را که ممکن است این در ذهن امام باشد واقعاً جدّی نگرفتم. [با خود] گفتم حالا به‌عنوان مثال گفتند شـــما رهبر باشید. اصلاً یادم نماند. بعد از چند روز بنا بود همه رفقا در دفتر من جمع بشوند. آقای هاشمی چند دقیقه‌ای زودتر آمده بود. به من گفت: «فلانی! نظر شما راجع به آن مطلبی که امام گفتند چیست؟»؛ من اصلاً یادم نیامد که ایشان چه می‌گوید. گفتم: «کدام مطلب؟»؛ گفت: «اینکه گفتند شما رهبر باشید.»؛ گفتم: «هیچّی!»؛ گفت: «نه، امام بی‌فکر قبلی این حرف را نمی‌زند. این حرف همین‌طوری از دهان امام نپرید. این را با فکر قبلی می‌گوید.»؛ گفتم: «من نمی‌دانم. من نمی‌دانـــم.»؛ چند ماه بعد در اتاق آقای هاشـــمی جلسه‌ای با ایشان داشتیم. باز همین صحبت پیش آمد. گفتم: «آقای هاشمی! بدان اگر چنین چیزی برای من پیش بیاید قطعاً و یقیناً آن را قبول نخواهم کرد. این را مطمئن باشـــید.»؛ واقعاً هم بنایم بر همین بود و اصلاً احتمال هم نمی‌دادم که قضیّه به این شکل مطرح بشود. البتّه اندکی قبل از فوت امام ـ همان روز و شب ـ صحبت شورای رهبری جدّی شد. افرادی هم که جمع شده بودند، اسم من را به‌عنوان یک فرد می‌آوردند امّا به این شکلی که بعداً پیش آمد اصلاً به ذهن ما خطور نمی‌کرد.»[2]؛ آقای هاشمی می‌گوید ما می‌توانستیم فرمایش امام در رابطه با آیت‌الله خامنه‌ای را حمل بر این کنیم که هدف ایشان این بوده که ما را قانع کنند و بگویند در بن‌بست نیستید. این بود که تصمیم می‌گیرد درباره همین مسئله یک بار دیگر خصوصی خدمت امام(قدّس‌سرّه) رفته و در این‌باره با ایشان صحبت کند. در این دیدار حضرت امام(قدّس‌سرّه) مجدّداً می‌فرمایند: «که شما وقتی مثل آقای خامنه‌ای را دارید، چرا تردید دارید؟ چرا مشکل دارید؟»[3]

امام(قدّس‌ســـرّه) پس از این ماجرا نیز بارها و بارها خطاب به نزدیکان خود، از آیت‌الله خامنه‌ای برای رهبری آینده‌ی نظام نام بردند. خانم زهرا مصطفوی دختر حضرت امام(قدّس‌سرّه) دراین‌باره نقل می‌کنند: «من مدّتها قبل از برکناری قائم‌مقام رهبری شخصاً از محضر امام درباره‌ی رهبری پرســـیدم و ایشان از آیت‌الله خامنه‌ای نام بردند. پرسیدم که آیا شرط مرجعیّت و اعلمیّت در رهبری لازم نیست و ایشان نفی کردند و از مراتب علمی ایشان پرسیدم و صریحاً فرمودند که ایشان اجتهادی که برای ولیّ‌فقیه لازم است را دارد.»[4] حضرت امام خمینی(قدّس‌سرّه) پیرو نخستین جلســـه‌ای که در مهرماه ۱۳۶۷ بر شایستگی آیت‌الله خامنه‌ای برای رهبری تصریح کردند، در مهم‌ترین مکتوبات ماه‌های پایانی عمر مبارکشـــان، یعنی منشور برادری و منشور روحانیّت، به تبیین ویژگی‌های لازم برای زمامداری حکومت اسلامی پرداختند. طبیعتاً تقدّم زمانی پیشنهاد حضرت آیت‌الله خامنه‌ای برای رهبری آینده بر دو منشور برادری و روحانیّت، نشان‌دهنده این است که حضرت امام(قدّس‌ســـرّه) این ویژگی‌ها را در شخصیّت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای یافته بودند و ایشـــان مصداق زمامدار حکومت اسلامی در نگاه حضرت امام(قدّس‌سرّه) محسوب می شدند. بخشی از منشور برادری، شامل نگاه سلبی امام درباره زمامدار جامعه‌ی اسلامی و پاسخ این پرســـش است که «چه کسی نمی‌تواند و نباید در نظام جمهوری اسلامی رهبر باشد؟». ایشان می‌فرمایند: «مهم، شناخت درست حکومت و جامعه است که بر اساس آن نظام اسلامی بتواند به نفع مسلمانان برنامه‌ریزی کند که وحدت رویّه و عمل ضروری اســـت و همین‌جا است که اجتهاد مصطلح در حوزه‌ها کافی نمی‌باشد بلکه یک فرد اگر اعلم در علوم معهود حوزه‌ها هم باشـــد ولی نتواند مصلحت جامعه را تشخیص دهد و یا نتواند افراد صالح و مفید را از افراد ناصالح تشخیص دهد و به‌طورکلّی در زمینه اجتماعی و سیاسی فاقد بینش صحیح و قدرت تصمیم‌گیری باشـــد، این فرد در مســـائل اجتماعی و حکومتی مجتهد نیســـت و نمی‌تواند زمام جامعه را به دست گیرد.»[5]

امّا نگاه ایجابی امام به زمامدار، در آخرین مکتوب مبسوط ایشان یعنی منشـــور روحانیّت قابل مشاهده است که ویژگی‌های یک «مجتهد جامع‌الشّرایط» را که شایســـتگی رهبری امّت اسلامی را دارد، برمی‌شمارند: «روحانیّت تا در همه مســـائل و مشکلات حضور فعّال نداشته باشد، نمی‌تواند درک کند که اجتهاد مصطلح برای اداره جامعه کافی نیســـت. مجتهد باید به مسائل زمان خود احاطه داشـــته باشد. برای مردم و جوانان و حتّی عوام هم قابل‌قبول نیست که مرجع و مجتهدش بگوید من در مسائل سیاسی اظهارنظر نمی‌کنم. آشنایی به روش برخورد با حیله‌ها و تزویرهای فرهنگ حاکم بر جهان، داشتن بصیرت و دید اقتصادی، اطّلاع از کیفیّت برخورد با اقتصاد حاکم بر جهان، شناخت سیاست‌ها و حتّی سیاسیون و فرمول‌های دیکته‌شده‌ی آنان و درک موقعیّت و نقاط قوّت و ضعف دو قطب ســـرمایه‌داری و کمونیزم که درحقیقت استراتژی حکومت بر جهان را ترسیم می‌کنند، از ویژگی‌های یک مجتهد جامع است. یک مجتهد باید زیرکی و هوش و فراســـت هدایت یک جامعه بزرگ اسلامی و حتّی غیر اسلامی را داشته باشد و علاوه‌بر خلوص و تقوا و زهدی که درخور شأن مجتهد اســـت واقعاً مدیر و مدبّر باشد. حکومت در نظر مجتهد واقعی فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریّت است. حکومت نشان‌دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است. فقه، تئوری واقعی و کامل اداره‌ی انسان از گهواره تا گور است. هدف اساسی این است که ما چگونه می‌خواهیـــم اصول محکم فقه را در عمل فرد و جامعه پیاده کنیم و بتوانیم برای معضلات جواب داشته باشیم.»[6]

امام(قدّس‌ســـرّه) در طول حیات مبارکشان، همواره محلّ رجوع مسئولان کشور برای رفع ابهامات و دفع سردرگمی‌ها و خروج از بن‌بست‌ها و روشن شدن تکلیف در مسائل حســـاس بودند و حلّ مسئله‌ای به اهمّیّت رهبری آینده، نمی‌توانست در افق نگاه امام(قدّس‌سرّه) جایگاهی نداشته باشد. لذا یکی از مهم‌ترین اقدامات حضرت امام خمینی(قدّس‌سرّه) در سال پایانی عمر مبارکشـــان، نام بردن از حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان رهبر آینده بود.

پانوشت‌ها:

۱- مشروح مذاکرات مجلس خبرگان، دوره اوّل، اجلاسیّه هفتم، صص ۱۵۲-۱۵۱

۲- مرکز اســـناد دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای(مدّظلّه‌العالی)

۳- مشروح مذاکرات مجلس خبرگان، دوره اوّل، اجلاسیّه هفتم، صص ۱۵۲-۱۵۱

۴- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۷۶/۹/۲

۵- صحیفه‌ی امام خمینی، ج ۲۱، صص ۱۷۹-۱۷۶، ۱۳۶۷/۸/۱۰

۶- همان، صص ۲۹۳-۲۷۳، ۱۳۶۷/۱۲/۳

نیازمندی‌های کیهان
قبول آگهی تلفنی
از ساعت ۸ صبح الی ۶ بعدازظهر
تلفن: ۵-۳۳۱۱۲۲۹۲
فکس: ۳۳۱۱۸۰۵۳
niyaz.mandiha@kayhan.ir

مرکز		جنوب	شمال	شرق - غرب
۳۳۱۱۰۲۰۲		سعدی ۳۳۹۶۲۲۱۱ - ۳۳۹۶۲۲۳۳	قلهک ۲۲۶۰۳۶۳۵	شهریار ۰۹۱۲۱۶۲۰۸۴۹
۳۳۱۱۳۵۱۹	۳۳۱۱۸۰۵۲	شرق استان تهران ۳۶۲۵۷۰۷۴	شمیران ۲۲۷۱۲۹۷۶	۶۵۲۲۲۹۳۳
۳۳۱۱۰۲۱۰	۳۳۹۱۱۵۶۸	اسلامشهر ۵۶۳۴۴۳۴۳	مطهری ۸۸۹۰۰۸۶۷ - ۸۸۸۰۱۵۵۲	کرج ۳۲۲۲۴۴۱۱ ۰۲۶-۳۲۲۲۶۰۱۳
۳۳۱۱۸۰۵۰	۳۳۱۱۲۱۹۵	چهاردانگه ۵۶۳۵۹۵۹۸	شهرآرا ۶۶۵۹۳۰۱۰-۱۱ -۶۶۵۹۲۲۶۶	دماوند ۷۶۳۲۱۹۳۸
۳۳۱۱۲۱۹۳	۳۳۱۱۸۰۵۲			
۳۳۱۱۲۲۹۱	۳۳۹۱۱۵۶۸			
۳۳۱۱۳۰۸۵	۳۳۱۱۹۲۳۶			
۳۳۹۴۲۰۰۰	۳۳۱۱۲۱۹۵			

خرید و فروش و اجاره کلیه املاک

ترجمه و مکاتبات
ترجمه دانشجویی و غیره پذیرفته می‌شود ۰۹۱۲۸۰۱۷۶۲۰

لوازم یدکی خودرو
تویوتا صبا (شریف‌نیا) توزیع و پخش لوازم اصلی تویوتا- لکسوس (بازار) ۰۹۱۲۲۴۹۷۵۷۰- ۳۳۹۹۰۰۱۷

املاک افق
خرید- فروش- رهن- اجاره
زمین، ویلا، آپارتمان در رودهن و حومه
۰۹۱۲۱۷۲۹۴۸۵ و ۷۶۵۰۹۹۸۱

بنایی و خدمات ساختمانی
تهویه مطبوع احمدی
ساخت و نصب انواع کانال‌های گالوانیزه داکت- اسپیلت- هواساز
۰۹۱۲۷۲۸۳۹۸۲- ۰۹۱۲۵۳۴۶۶۹۴

آبعلی
یک قطعه زمین به مساحت ۷۰۰ متر کاربری ویلایی سند تک برگ متری ۱۸/۵ تخفیف به خریدار واقعی
۰۹۱۹۱۰۲۱۲۶۵

خرید و فروش انواع خودرو
«خریدار نقدی فرسوده»
انواع خودرو و تمام مدل‌ها حتی مدارک ناقص و موتور سوخته
۰۹۱۲۲۵۸۶۸۴۲
۰۹۱۲۰۷۰۶۴۸۷

حمل و نقل
متصدی حمل هوایی زمینی دریایی و ریلی کالای وارداتی صادراتی ترانزیت، بازرگانی و ترخیص کالا
۰۹۱۲۳۵۷۶۵۷۶

جهت مشارکت در شهرک‌سازی در شهرک پوریا آماده همکاری می‌باشیم
۰۹۱۲۲۶۱۵۵۶۴

مجله زن روز
روزهای شنبه هر هفته منتشر می‌گردد

استخدام

دعوت به همکاری
مؤسسه‌ای از افرادی با شرایط زیر برای بخش های کارگری و کارمندی خود دعوت به همکاری می‌نماید.
- واحد فنی: ۴ نفر مرد - با تحصیلات دیپلم به بالا
- واحد خدمات: ۵ نفر مرد - با تحصیلات دیپلم به بالا
- نگهبان: جهت تکمیل کادر انتظامات - ۳ نفرمرد با تحصیلات دیپلم به بالا
- واحد توزیع: ۳ نفر مرد (ترجیحاً با وسیله نقلیه)
- امور مالی: ۳ نفر مرد - با مدرک تحصیلی لیسانس حسابداری
- امور اداری: ۳ نفر مرد - با مدرک تحصیلی فوق دیپلم به بالا
آشنایی متقاضیان واحدهای مالی و اداری با نرم‌افزارهای مربوطه الزامی است.
واجدین شرایط می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با تلفن ۳۳۱۱۸۳۳۳-۰۲۱ تماس حاصل نمایند.

آگهی‌های مفقودی

کارت خودرو سواری رنو فلوئنس ای تی مدل ۲۰۱۷ به رنگ سفید روغنی شماره پلاک ایران ۱۱ ۵۷۳ ص ۱۶ شماره شاسی VF۱LZLJT۰HR۵۹۶۶۴۸ و شماره موتور M۴RK۷۵۱N۴۶۱۶۸۷ متعلق به شرکت بی‌ای تی پارس (سهامی خاص) مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

آگهی فقدان مدرک تحصیلی (نوبت اول)
گواهینامه پایان دوره تحصیلات اینجانب علیرضا براجعه فرزند طاهر به شماره شناسنامه ۱۷۴۳۵۴۶۵۲۱ صادره از اهواز در مقطع کاردانی پیوسته رشته کامپیوتر نرم‌افزار صادره از آموزشکده فنی و حرفه‌ای پسران شماره یک شهید چمران با شماره ۰۶۷/۲۰۰/۱۹۰۲ مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۰۵ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به آموزشکده فنی و حرفه‌ای پسران شماره یک شهید چمران به نشانی: اهواز- بلوار گلستان- کوی ۲۲ بهمن خیابان شهید بهشتی ارسال نماید.

سند کمپانی خودرو سواری پژو ۴۰۵GLX-XUy به شماره پلاک ۴۱۵ ن ۴۲- ایران ۱۴ به رنگ نقره‌ای- متالیک مدل ۱۳۹۲ و شماره موتور ۱۲۴K۰۲۸۰۰۷۳ و شماره شاسی NAAM۰۱CA۹DR۰۱۶۹۰۵ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

شناسنامه مالکیت (برگ سبز) خودرو سواری پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۸۶ به رنگ نقره‌ای متالیک به شماره انتظامی ۹۱۲ و ۹۸ ایران ۱۹ و شماره موتور ۱۲۴۸۶۱۰۰۲۳۰ و شماره شاسی ۴۰۲۹۰۳۱۳ بنام سیروس اصلاحاتی به شماره ملی ۴۹۶۹۸۲۸۸۱۴ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز و سند کمپانی خودرو کویبک مدل ۱۳۹۹ رنگ سفید- مشکی- روغنی به شماره شهربانی ۹۹۱ ل ۴۷ ایران ۳۰ و شماره موتور M۱۵/A۹۵۹۷۴۹ و شماره شاسی NAS۸۴۱۱۰۰L۱۰۶۴۸۹۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز پراید مدل ۱۳۹۰ شماره انتظامی ۵۸۷ق۴۴ ایران ۴۱ شماره موتور ۳۹۲۹۸۲۹ شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۹۷۱۴۴۱۳ بنام حسن پورملکی مفقود و از درجه اعتبارساقط می‌باشد. بویین زهرا

کارت شناسائی سازمان زندان‌ها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور بنام اینجانب احمد طاهری شهبازی فرزند فلامرز با کدملی ۴۲۴۰۳۰۲۱۷۱ مفقود گردیده ازدرجه اعتبارساقط می‌باشد.

برگ سبز خودرو سواری پژو ۲۰۶SD مدل ۱۳۹۴ رنگ سفید به شماره موتور ۱۶۳B۰۱۹۶۶۸۵ شماره شاسی NAAP۴۱FE۱FJ۲۸۲۹۴۸ شماره پلاک ۷۲۷b۵۳ ایران ۶۱ بنام کبری غفوری مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز و برگ فروش خودروی سواری پیکان، مدل۱۳۸۳، به شماره انتظامی ۳۳۸ د۴۷ ایران ۷۶ و شماره موتور ۱۱۲۸۳۰۹۵۹۷۸ و شماره شاسی ۸۳۴۶۳۸۳۶ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند مالکیت (برگ سبز) وکارت شناسائی سواری پراید تیپ ۱۱۱هاچ بک مدل ۱۳۸۹ به شماره پلاک ۲۶۵ن۶۸ ایران ۱۴ و شماره موتور ۳۶۵۶۳۶۱ وشماره شاسی S۵۴۳۰۰۸۹۰۲۸۹۰۲۸۵۰۸ به نام سجاد اسدزاده به کد ملی ۱۷۴۱۰۲۰۴۷۶ مفقود شده از درجه اعتبار ساقط است. زرین شهر.

کارت ماشین و سند کمپانی خودرو فیدلیتی پرایم رنگ سفید روغنی مدل ۱۴۰۲ به شماره پلاک ایران ۶۳- ۸۸۵ ن ۴۰ و شماره موتور SQRE۴T۱۵CBJPD۶۰۲۰۷ و شماره شاسی NAGC۱AB۴۹P۱۰۲۳۰۸۷ به نام نعیم اسکانی فرزند شفیع محمد به شماره ملی ۶۴۵۰۱۲۶۷۹۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودرو سواری پراید جی‌تی‌ایکس‌آی به شماره پلاک ۳۳۲ م ۲۵- ایران ۱۴ به‌رنگ‌سفید- روغنی مدل ۱۳۸۷ و شماره موتور ۲۷۶۷۵۳۱ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۷۹۱۴۸۱۵ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

نوبت دوم
قرارداد واگذاری زمین به شماره ۷۰/۲۸۶۲۳ مورخ ۸۶/۸/۱ مربوط به قطعه ثبتی ۳۴۶۶/۷ فرعی/۱۶۳ اصلی بخش ۵ قم به مساحت ۳۰۷/۶۲ مترمربع صادره از سازمان ملی زمین و مسکن مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت (برگ سبز) وکارت شناسائی سواری پراید تیپ ۱۳۹۴ هاچ بک مدل ۱۳۹۴ به شماره پلاک ۲۶۵ن۶۸ ایران ۱۴ و شماره موتور ۳۶۵۶۳۶۱ وشماره شاسی S۵۴۳۰۰۸۹۰۲۸۹۰۲۸۵۰۸ به نام سجاد اسدزاده به کد ملی ۱۷۴۱۰۲۰۴۷۶ مفقود شده از درجه اعتبار ساقط است. زرین شهر.

برگ سبز خودروی سواری پیکان مدل۱۳۳۷ رنگ زرد خردلی به شماره موتور ۳۱۹۳۷۰۹۶ و شاسی ۴۴۱۳۰ و شماره انتظامی ۷۳ایران ۷۴۳ق۲۳ بنام محمدحسین رجائی با کدملی ۲۴۱۱۰۳۷۸۶ مفقود گردیده ازدرجه اعتبارساقط می‌باشد.

سند کمپانی و شناسنامه مالکیت اتومبیل لیفان ۸۲۰ سفید رنگ مدل ۱۳۹۷ شماره انتظامی ۶۴۶ ج ۲۱ ایران ۳۱ به شماره موتور LF ۸۹۹۱۷۱۱۹۰۳۵۲ و شماره شاسی NAkNH۴۶۲۹jB۱۰۵۶۵۴ بنام فاطمه کمالوند به شماره ملی ۴۰۷۰۴۱۸۷۵۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند مالکیت (برگ سبز) سواری پراید تیپ جی تی ایکس‌ای مدل ۱۳۸۸ بشماره پلاک ۶۳۵ص ۹۲ ایران ۶۷ وشماره موتور ۳۱۸۶۲۳۲ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۸۰۷۹۵۲۴ به نام اسماعیل کاظمی زرد خشویه به کد ملی ۱۱۷۱۱۹۳۸۳۱ مفقود شده از درجه اعتبار ساقط است. زرین شهر

سند مالکیت (برگ سبز) سواری پراید تیپ صبا (جی‌تی ایکس) مدل ۱۳۸۲ به شماره پلاک ۲۲۵ی۳۱ ایران ۲۳ وشماره موتور ۶۱۴۹۰۳ وشماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۲۱۶۴۶۷۲ به نام محمد حسین قاندی کچویی به کد ملی ۲۵۷۰۳۷۳۱۰۹ مفقود شده از درجه اعتبار ساقط است. زرین شهر.

اینجانب سمیرا مریدی به شماره ملی ۴۰۷۳۴۶۰۹۷۸ مالک خودروی سواری پژو ۴۰۵GLX-XUy مدل ۱۳۹۵ رنگ خاکستری به شماره انتظامی ۳۳۳ ص ۹۵ ایران ۴۰ شماره موتور ۱۲۴K۰۸۱۶۳۱۲ شماره شاسی NAAM۰۱CE۸GK۴۰۶۶۳۲ به علت فقدان اسناد سازمان فروش ایران خودرو شامل برگ کمپانی و برگ سبز تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده‌ام. لذا چنانچه کسی ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد از این تاریخ ظرف مدت ۱۰ روز به دفتر منطقه‌ای ایران خودرو واقع در پیکانشهر، ساختمان سمند مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مذکور طبق ضوابط اقدام خواهد شد.

«مزایده نوبت دوم»
آموزشگاه علمی و تخصصی شهید چمران فراجا در نظر دارد املاک مازاد بر نیاز (فروشگاه در ۲ شعبه) خود را در قالب اجاره واگذار نماید.
متقاضیان برای دریافت اسناد مزایده از تاریخ ۱۴۰۲/۱۰/۵ الی ۱۴۰۲/۱۰/۱۵ به مدت ۱۰ روز به نشانی: کرج- جاده قزل‌الحصار روبروی زندان قزل‌الحصار آموزشگاه شهید چمران فراجا مسئول برگزاری (آقای احمدی‌نیا) مراجعه نمایند.
شماره تماس: احمدی‌نیا ۰۹۱۲-۷۸۹۲۰۸۵
فلاح ۰۹۱۲-۸۶۶۵۹۶۷

آگهی مزایده
تعاونی مسکن شهید پورقدیری اقدام به فروش ضایعات آهن‌آلات واقع در خیابان پیروزی شهرک جنگ‌افزارس